

ظروف پیش از رفتن به کوره واری می‌شوند



به طرح‌های قدیم اضافه کردند، گل‌های شاه عباسی است یا اندک خط‌هایی به طرح قبلی اضافه شده است.»

#### • پرداخت

پیرمرد سفالگر، مرحله پس از نقاشی روی سفال را پرداخت می‌داند. پرداخت یعنی طرحی را که روی سفال زده شد، با رنگ‌های دیگر کامل می‌کنند. او می‌گوید: من الان فقط با رنگ سیاه، طرح ماهی، گندمک، حصیری و کله قوچی را کشیدم. سپس با رنگ این طرح‌ها را پرداخت می‌کنم؛ مثلاً گنجشک سبز می‌شود و گیاه‌های دور تا دورش آبی، چشم ماهی رنگ می‌گیرد.

#### • لعاب کردن

سفال‌ها زیر آفتاب به صورت تدریجی گرم می‌شوند و سپس کم‌کم داغ شده تا چند روز که خشک شود. بعد از اینکه ظرف‌ها خشک شدند، لعاب زده می‌شود. سفالگر قدیمی شهر میبد درباره لعاب زدن به ظروف سفالی می‌گوید: «اگر ظروف سفالی با آفتاب خشک نشوند، لعاب رویش پخش نمی‌شود. من لعاب را با شیشه پودر شده تلویزیون، بطری شکسته و... درست می‌کنم. دست‌گاش را دارم که این‌ها را پودر کنم. لعاب زدن سبب می‌شود آب از ظرف سفالی بیرون نرود و از نظر بهداشتی نیز بهتر است. هر گلی قابلیت ظرف‌سازی ندارد. گل باید شیرین باشد تا لعاب را قبول کند. گل کوزه‌گری شور است و به درد سفالگری نمی‌خورد و آن را پس از لعاب، سوراخ سوراخ می‌کند. گلدان را لعاب نمی‌زنند؛ ولی ظرف‌ها را حتماً باید لعاب زد. در این کارگاه دوره (ظرف مخصوص ماست) ماست، گادیشه، کاسه و لیوان می‌سازم و وسایل یا دیگر صنایع دستی را در کارگاه‌های دیگر انجام می‌دهند.»

#### • رفتن به کوره

حالا دیگر ظرف‌ها آماده رفتن داخل کوره است. اتاق کوره در همان سالن اول است و کوره در وسط اتاق خودنمایی می‌کند. دو نردبان چوبی که خود استاد پهلوان شمسی آن را درست کرده است کنار سالن گذاشته شده تا هنگام پایین رفتن از کوره و چیدن سفال‌ها در کوره، از آن استفاده کنند. پیرمرد راه پایین رفتن از کوره و روشن کردنش را نیز نشان می‌دهد و می‌گوید: «برای چیدن ظرف‌ها در کوره باید و لازم است دو نفر باشیم. یکی داخل کوره می‌رود و یکی از این بالا ظرف‌ها را پایین می‌دهد. سفال‌ها باید کنار هم چیده شوند. این کوره ۶ تا موری (هواکش) پایین خودش دارد که وقتی شعله بالا می‌آید و دودش برمی‌گردد، از موری‌ها خارج شود. در اتاق کوره درست بالای کوره نیز چند هواکش دارد که وقتی کوره روشن است، هرگز نباید به این اتاق وارد شویم. دمای کوره در زمستان از ۲۵ درجه که حالت طبیعی و خیلی کم است، شروع می‌شود. در تابستان این درجه به ۷۰ می‌رسد. وقتی کوره روشن شد، پس از سه ساعت به ۱۰۰ درجه و بعد از پنج ساعت به ۵۰۰ درجه می‌رسد. حرارت و سرعت پخت هر کوره‌ای بسته به اندازه کوره و تعداد ظرف‌ها فرق می‌کند. کوره‌ای که من دارم حرارتش باید به هزار درجه برسد.

تختی که به عنوان در کوره می‌گذاریم نیز گلی است. اینگونه نیست که چون می‌گوییم تخت، جنسش از چوب باشد. گل مخصوصی است که داخلش آهن دارد؛ یعنی آهن گل زیاد است و داغی و آتش کوره آن را نمی‌سوزاند. کوره همان‌طور که تدریجی داغ می‌شود به تدریج نیز باید سرد شود. یک هفته طول می‌کشد تا کوره سرد شود و نباید درش را برداریم. گاهی وقت‌ها اگر بخواهند در کوره را زودتر بردارند زیرش هواکش می‌گذارند تا زودتر خنک شود.»

کوره‌های پخت سفال هم در میبد، سنتی است



انگار رابطه‌ای است بین سوختن شمع و آماده شدن سفال. تا شمع‌ها می‌سوزند، سفال‌ها نیز خشک می‌شوند و شمع و سفال در کنارهم روزها را شب می‌کنند و شب‌ها را روز. پیرمرد سفالگر ظرف‌های تازه ساخته شده را در اتاق می‌چیند و ظرف‌هایی را که دور روز در اتاق ظرف بوده، برمی‌دارد و به طرف چرخ سفالگری‌اش می‌برد. او می‌گوید: «اتاق ظرف، اتاقی است که نباید هوا واردش شود تا ظرف‌ها بدون نور خورشید و هوا کمی خشک شوند. سپس باید ظرف‌ها را پشت چرخ ببریم و آن‌ها را تراش بدهیم. در مرحله تراش، ناجوری‌های کار به وسیله کار تراش گرفته می‌شود.

پیش از اینکه سفال‌ها به طور کامل خشک شوند، اگر سفالگر خواست و نیاز به طرح و نقش داشت، نقاشی روی سفال را انجام می‌دهد.

#### • نقاشی روی سفال

طراحی روی سفال، مرحله قشنگ و دلپذیر کار است. آن قدر که می‌خواهی جای قلمزن باشی و ظرف سفالی را در دست بگیری و با قلمو نقاشی‌های زیبا روی سفال خلق کنی. این کار را پیرمرد سفالگر زیر آفتاب انجام می‌دهد با رنگ‌ها و قلمویی که خودش ساخته است. استاد پهلوان شمسی قلمو را در رنگ سیاه که در گادیشه ریخته، می‌زند و آرام داخل کاسه سفالی که در دست چپش گرفته می‌کشد، قلمو مثل پرگار دور تا دور کاسه می‌چرخد و دوباره داخل رنگ فرو می‌رود و نقش‌های حصیری و هندسی دور تا دور کاسه نقش می‌بندد. پیرمرد همان‌طور در حال انجام کار می‌گوید: رنگ سیاه، اکسید آهن است که پودرش کردم و با آب و کمی قند حل کردم تا ته‌نشین نشود. رنگ‌هایی که استفاده می‌شود، اکسید فلزات است به طور مثال رنگ آبی که در سفال خیلی از آن بهره می‌برند اکسید مس است که از ضایعات مسگری‌های یزد بوده و در اصطلاح به آن توفال می‌گفتند. این‌ها را نیاکان ما بر اساس تجربه بدست آوردند. این قلمویی که دست من می‌بینید، بازاری نیست بلکه از موی یال الاغ و ترکه انار درست کرده‌ام. بهترین قلمو برای نقاشی روی سفال همین است که نه لمس می‌شود و نه شل می‌شود و هرچه کوتاه‌تر و پرپشت‌تر باشد، بهتر است.

#### • الهام از طبیعت

کاسه سفالی، نقاشی‌اش تمام می‌شود و استاد پهلوان شمسی کاسه بزرگ‌تری را در دست می‌گیرد و نقاشی روی آن را شروع می‌کند. چند قلمو کنار دستش گذاشته و با دقت به کارش ادامه می‌دهد و این بار از طرح‌ها و نقش‌هایی که روی سفال میبد استفاده می‌کردند و هنوز هم استفاده می‌شود، حرف می‌زند: «برای نقاشی روی سفال و اینکه طرحی داشته باشد، سفالگران از طبیعت الهام می‌گرفتند. گنجشک، ماهی که در قنات‌ها بود، گیاه گندمک و گیاه آنگوزه و خورشید، طرح‌های ثابت سفال میبد هستند. این طور نبود که سفالگران، نقاش باشند یا دید هنری داده باشند. نه آن‌ها از طبیعت وام می‌گرفتند و نقاشی را ذهنی می‌کشیدند. الان طرحی که من دارم می‌کشم، طرح کله قوچی است که شبیه شاخ قوچ است یا طرح دهم و یازدهم هستند که شبیه این عدد‌هاست. طرح خورشید را که مختص سفال میبد است، سال‌ها پیش، فکر می‌کنم قبل از انقلاب بود که زرتشتیان به آقای آقایی سفارشش را دادند و ایشان یک سفالگر بود و خودش طرحش را زد و خورشید هفت پَر را کشید. خورشید در کویر مظهر نور و روشنایی است و خاص سفال این شهر شد. طرح‌های جدیدی که سفالگران امروزی

**برای نقاشی روی سفال و اینکه طرحی داشته باشد، سفالگران از طبیعت الهام می‌گرفتند. گنجشک، ماهی که در قنات‌ها بود، گیاه گندمک و گیاه آنگوزه و خورشید، طرح‌های ثابت سفال میبد هستند**